

<div><div> </div><div></div></div>		<div><div> </div><div></div></div>
رواق شهیدان 		
		
آمار تفصیلی شهدای روحانی		

از نهضت مشروطه تا دفاع مقدس و مدافعان حرم

در آستانه برگزاری کنگره ۴۰۰۰ شهید روحانی، آمار تفصیلی از شهدای روحانی از اوایل نهضت مشروطه تا دوران دفاع مقدس و مدافعان حرم منتشر شد. به گزارش خبرگزاری رسا، آمار تفصیلی شهدای روحانیت بدین شرح است:

● **الف) کنگره ملی ۳۸۸۸ روحانی شهید** (۳۷۳۹ نفر روحانی شیعه و ۱۴۹ نفر اهل سنت) شامل:

- ه شهدای عصر مشروطه (سال ۱۲۷۵) تا وقوع انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۷): ۵۷۰ نفر؛
- ه شهدای انقلاب اسلامی تا قبل از شروع دفاع مقدس: ۴۰۰ نفر؛
- ه شهدای دوران دفاع مقدس تا پایان سال ۱۳۶۷: ۳۶۴۱ نفر؛
- ه شهدای ترو: ۱۱۱ نفر؛
- ه شهدای مدافع حرم: ۳۸ نفر؛
- ه شهدای غییرایرانی که در ایران مدفون هستند ۴۸ نفر؛
- ه شهدای روحانی مفقودالثر: ۹۳ نفر.

● **ب) مسئولیت‌های رزمی و نظامی شهدای روحانی**

۱۲۲۲ نفر از شهدای روحانی دفاع مقدس، علاوه بر نقش و رسالت طلبگی خود، دارای مسئولیت‌های رزمی و نظامی بوده‌اند:

- ه فرمانده قرارگاه، لشکر، تیپ، گردان، سپاه ناحیه: ۲۲ نفر؛

- ه فرمانده گردان، گروهان و دسته: ۲۲۲ نفر؛
- ه سایر رسته‌های نظامی (اطلاعات و عملیات، تک‌تیرانداز، امدادگر، غواص و…) ۹۴۸ نفر؛
- ه مسئول تبلیغات: ۵۰ نفر.

بیشترین‌ها در آمار شهدای روحانی:

- ه بیشترین تعداد شهید با سن ۱۸ سال بوده‌اند که تعداد آنها به ۴۹۶ شهید می‌رسد؛
- ه بیشترین شهید در سال ۱۳۶۵ بوده‌اند که تعداد آنها به ۱۲۱۴ شهید می‌رسد؛

ه بیشترین شهید متعلق به عملیات کربلای ۵ است که تعداد آنها به ۵۶۷ شهید می‌رسد؛

ه بیشترین شهید متعلق به استان اصفهان می‌باشد که تعداد شهدای این استان به ۵۴۳ شهید می‌رسد؛

ه بیشترین شهید متعلق به شهرستان اصفهان می‌باشد که تعداد شهدای آن به ۱۶۰ شهید می‌رسد؛

ه بیشترین شهدای روحانی، با مسئولیت رزمی تبلیغی در جبهه‌های نبرد حضور داشتند که تعداد آنها به ۱۷۶۷ شهید می‌رسد؛

ه در بین شهدای روحانی ۵۴۵ شهید از سادات می‌باشند.

بیشترین توصیه انجام‌شده توسط شهدای روحانی در وصیت‌نامه‌های آنها، مربوط به توحید و ایمان به خداوند است که تعداد این توصیه‌ها ۲۴۰۰ مورد می‌باشد.

نمایشگاه کنگره

۴۰۰۰ شهید روحانی افتتاح شد

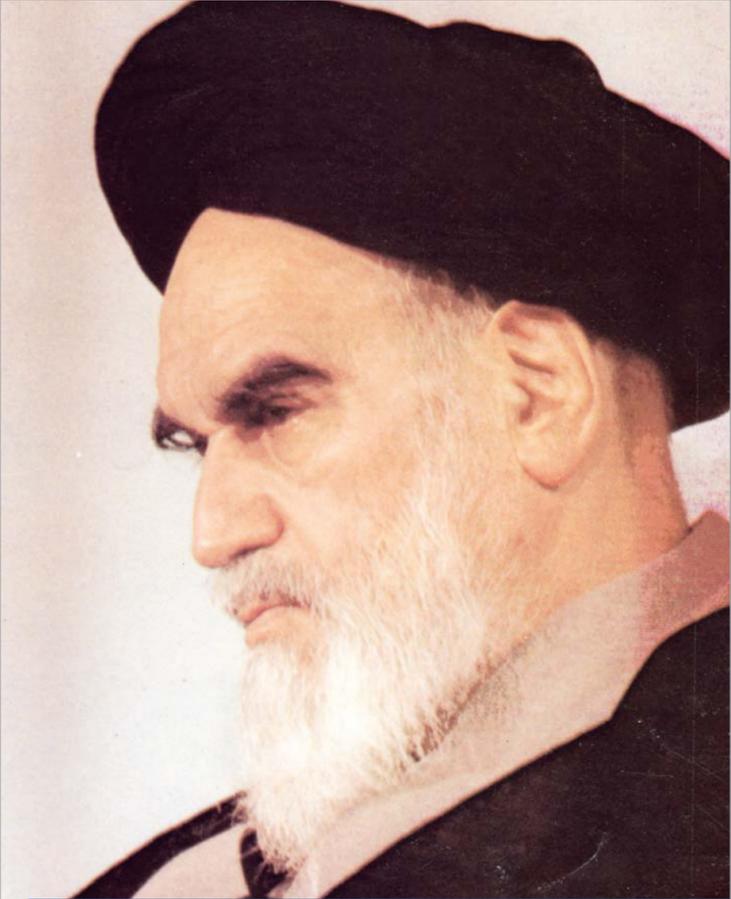


نمایشگاه کنگره ۴۰۰۰ شهید روحانی با عنوان «ردای سرخ»، با حضور بزرگان حوزه و مسئولان، در مصلای قدس قم افتتاح شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، آیات اراکی عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه، سعیدی امام جمعه قم، حجج‌اسلام ذوالنور نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، اکبری نماینده ولی‌فقیه در سپاه علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه‌السلام}، عبداللهی عضو جامعه مدرسین، حسینی‌نژاد رئیس مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم و… حضور داشتند.

گفتنی است، در این نمایشگاه، از هر استان، غرفه‌ای دایر شده و به معرفی شهدای روحانی آن استان می‌پردازند.

یادآوری می‌شود، این نمایشگاه همه‌روزه از ساعت ۸ تا ۱۳ و ۱۶ تا ۲۰ دایر بوده و پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.



جریان فقه خوارجی به دنبال تقلیل، تقطیع و تحریف امام خمینی ^{علیه‌السلام} است

گفت‌وگو با حاجت‌الاسلام والمسلمین علی ذوعلم عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تغییر کرد. آن‌وقت از کسانی نام برده می‌شود که در هر دوره حضور داشته و اساساً منصوب امام ^{علیه‌السلام} بودند و دیدگاه‌شان از ابتدای انقلاب همین بود. ضمن اینکه اختلاف در دیدگاه‌های فقهی کاملاً طبیعی است. اساساً موضوع اجتهاد اقتضا می‌کند که دیدگاه‌های فقهی متفاوت باشد. مهم این است که کدام‌یک از این دیدگاه‌ها در سیاست‌گذاری و جهت‌گیری نظام از اعتبار برخوردار است؛ وگرنه در زمان خود حضرت امام ^{علیه‌السلام} نیز دیدگاه‌های متحجرانه بسیاری وجود داشت و اینها هیچ‌گاه در نظام جریان پیدا نکرد؛ چون از نظر جمهوری اسلامی اعتباری نداشت.

همچنین باید پرسید کدام دیدگاه فقهی بود که انقلاب تجویز کرد و مردم را به میدان آورد و ذرنه‌ایت این کشور و حوزه و جامعه را با موفقیت از یوغ استعمار و استثمار و فساد نجات داد؟

بنابراین دیدگاه حضرت امام ^{علیه‌السلام} که پیش از انقلاب نیز مطرح می‌شد، براساس نصوص اسلامی بود. من این افراد را به آغاز کتاب ولایت‌فقیه ایشان ارجاع می‌دهم. ایشان بحث ولایت‌فقیه را از نقطه‌ای شروع می‌کنند که مسئله امروز برخی جماعت حوزوی ماست. موضوع دسیسه‌های استعمار برای اینکه اندیشه تحول‌خواهی، انقلاب و مقابله با نظام‌های جابر را از ذهن مسلمانان حذف کنند و آنها را به مسائلی فرعی مشغول کنند. خب البته کسانی هستند که این دیدگاه را نمی‌پسندند؛ راهکار چیست؟

در مسائل فردی و رفتار فردی هرکسی به تشخیص خود و با انتخاب خود نگاه فقهی‌ای را با انتخاب مرجع خود دنبال می‌کنند و این نگاهی آزاداندیشانه در اسلام است که تقلید هم، براساس تحقیق است و هرکدام از ما باید ببینیم، کدام‌یک از مراجع اعلم هستند و تقوای آنها بیشتر است و اصلح و شایسته هستند و از او تقلید کنیم؛ ولی در امر

گروهی از اعضای هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

حکمرانی دیدگاه‌های فردی نمی‌توانند جریان پیدا کنند. به همین جهت اساساً یکی از ضرورت‌های ولایت‌فقیه همین است. بنابر با انتخاب مردم، جمعی از مجتهدان نماینده آنها می‌شوند و تشخیص فرد اصلح برای رهبری جامعه را برعهده دارند و آن فرد اصلح نیز، مجتهد جامع‌الشرایطی است که بنابر دیدگاه‌هایی که دارد، موظف است جامعه را با‌دله اسلاهی و حجت شرعی هدایت کند.

- ه **درواقع در امر حکمرانی دینی، اجتهاد افراد بی‌معنا می‌شود و تبعیت از امام موضوعیت پیدا می‌کند.**

● اجتهاد افراد در حوزه قلمروی شخصی بی‌معنا نیست. این اجتهادات در جامعه ارائه می‌شود و این تضارب آراء، خود مجالی برای حاکمیت ایجاد می‌کند که به عمیق‌ترین ایده‌ها توجه کند؛ یعنی پژوهش‌های فقهی هم برای ولی‌فقیه منبع مطالعه است. اساساً ولی‌فقیه براساس آگاهی و دانش، جامعه را اداره می‌کند. بخش‌های مبنایی این دانش باید در خود او وجود داشته باشد تا ولی‌فقیه باشد و در فرآیند رهبری هم، دائماً باید از تولیدات علمی جامعه بهره‌برداری کند و ما می‌بینیم که در زمان رهبر انقلاب این کار به چه شکل عمیقی انجام گرفته است. بیان صریح خود ایشان هم، این بوده که آنجا که پژوهشی معتبر، مطلبی را نشان بدهد، رهبری هم از همان مطلب استفاده می‌کند و این اجتهادها لازم و مفید است؛ اما انحراف از برداشت و دریافت این اجتهادها زمانی ایجاد می‌شود که مجتهدی توقع داشته باشد، دیدگاه اجتهادی او جامعه را اداره کند. مثل هر عرصه دیگری علمای علوم اقتصاد و سیاست و فرهنگ و… باید تحقیقات خود را انجام بدهند و هرچه محقق و مجتهد بیشتری داشته باشیم، نشانه توانمندی جامعه است؛ اما اینکه توقع من به‌عنوان یک کارشناس این باشد که دیدگاه من اعمال شود، این توقع نابه‌جاست. اساساً چنین توقعی نوعی

گفت‌وگو

هرج ورج اجتماعی ایجاد می‌کند.

□ در میان برخی افراد جریان فقه خوارجی، ادعا می‌شود که ولایت کفار یک خط قرمز همیشگی نیست. در این باره به سیره برخی ائمه ^{علیهم‌السلام} نیز استناد می‌کنند و قائلند به اینکه باید در وضع فعلی به این سیره عمل کرد. آیا این مدعیات با منطق دینی مطابقت دارد؟

- این ادعا ۱۰۰درصد غلط است. ولایت کفار بر مؤمن یک خط قرمز قطعی است و در هیچ شرایطی مؤمن نمی‌تواند ولایت کفار را بپذیرد؛ چون با ولایت الله تعارض دارد.

آن استنادها نیز ۱۰۰درصد استنادات غلطی است. بله، در شرایط خاصی ائمه معصومین ^{علیهم‌السلام} و فقهای مجتهد و بابسیرت ما، برای اینکه ولایت کفار به‌طور ریشه‌ای حذف بشود، تاکتیک‌هایی را انتخاب می‌کردند و این کاملاً عقلایی است؛ اما تشخیص این شرایط برعهده کیست؟ این همان مطلبی است که عرض کردم. علمای ریشه‌های مختلف ممکن است، تحلیل‌های متفاوتی از شرایط واقعی جامعه داشته باشند. این فقط در بحث ارتباط با غیرمسلمانان نیست.

در ارتباط با خود مسلمانان و ارتباط با کشورهای دوست و ترجیحاتی که گاه داریم، همین‌طور است. این ترجیحات را مکانیزم‌هایی که در قانون اساسی ما مشخص شده است، تعیین می‌کند و اینجا فقط جای دیدگاه‌های اجتهادی نیست. دیدگاه‌های اجتهادی و تحقیقات می‌تواند، برای انتقال بهترین راهکار کمک کند. از این‌جهت است که ما در نظام جمهوری اسلاهی که نظامی عقلانی و دینی و بسیار کارآمد است، مجامع مختلف و شورا‌های مختلف و کارشناس‌های مختلفی داریم تا بتوانند، تجزیه و تحلیل نسبت به شرایط روز را آگاهانه‌تر و واقع‌بینانه‌تر تحلیل کنند و تصمیم‌گیری‌ها معقولانه‌تر صورت بگیرد.

ولی این توقع که کارشناس امر سیاست ادعا کند که فهم من بهترین فهم‌هاست و باید اجرا شود، توقعی به‌جا نیست و این هم از همان مقولاتی است که باید در نشست‌ها و گفت‌وگوی علمی و پژوهشی به بحث گذاشته شود. اینکه ما اسلام را به این متهم کنیم که می‌شود، گاهی ولایت کفار را بپذیرفت، این گزاره ۱۰۰درصد غلط است؛ همان‌طور که فقهای ما گفته‌اند و قرآن بر آن گواه است؛ آنجا که مؤمن بر اثر شکنجه چنان طاقتش طاق می‌شود که به زبان، کلامی جاری می‌کند و گویی ولایت کفار را بپذیرفته است، آن فقط در زیان می‌تواند باشد و اگر دلش به‌سمت ولایت کفار برود، از ایمان برگشته است. اصلاً ملاک ایمان و کفر همین است.

حتی در جایی که جواز ارتکاب برخی محرمات در برخی شرایط وجود دارد، آن هم بنابر قاعده ترجیح اهم بر مهم است و درصورتی است که فرد مرتکب می‌داند، کار خطایی انجام می‌دهد؛ ولی در شرایط اضطراری این کار جایز است؛ مثلاً خوردن مردار که وقتی می‌بیند درحال از دست دادن جان خود است، می‌تواند به‌اندازه سد جوع استفاده کند. اتفاقاً مؤمن می‌داند، این کار حرام است و با تنفر این کار را انجام می‌دهد؛ اما حفظ جان بر او واجب است و کاملاً با تنفر و اکراه چنین کاری را انجام می‌دهد.

وقتی امام حسن ^{علیه‌السلام} توافقتنامه مشهور به صلح را پذیرفتند، صریح اعلام کردند که ما این را برای حفظ بقای مسلمین انجام دادیم. وقتی حضرت امام ^{علیه‌السلام} قطعنامه را پذیرفتند، فرمودند که جنگ بین اسلام و کفر و جنگ بین فقر و غنا پایان‌پذیر نیست و فرمودند: هرگز زیر ولایت کفار نرفتیم. از این‌رو برداشت مطرح‌شده بسیار سطحی، جاهلانه و به نظر من برداشتی با نیات سیاسی است.

□ **یعنی غرض سیاسی در کار است؟**

- بله! واقعاً غرض سیاسی در این نوع اظهارنظرها دیده می‌شود؛ ولی حتی وقتی فردی مغرض می‌خواهد حرفی بزند، باید توجه کند که حرف او نین‌نما و می‌بایه نباشد.

□ **این جریان روی تقیه هم بسیار تأکید دارد!**

- دیدگاه‌های مختلفی در باب تقیه وجود دارد. برخی دیدگاه‌ها محافظه‌کارانه است و قائلان به آن اعتقاد دارند که تقیه صرفاً برای حفاظت از جان مؤمن است. بله! گاهی در مسائل فرعی فردی، تقیه برای حفظ جان مؤمن است؛ ولی حفظ جان مؤمن برای چیست؟ حفظ جان مؤمن برای حفظ اسلام است. این‌که امام حسین ^{علیه‌السلام} شهید شدند تا اسلام باقی بماند، مسئله مهمی است. جمله‌ای که امام ^{علیه‌السلام} دائماً مطرح می‌کردند که اگر ما از بین برویم، بهتر است تا مکتب ما از بین برود و ما باید فدای اسلام بشویم، برای همین است. در امور شخصی و فردی مؤمنی که حتی مجتهد و ولی‌فقیه نباشد، می‌تواند به تشخیصی برسد؛ مثلاً اگر من در بیابان گرفتار شدم و به دست حربی کافر و خشنی اقدام، برای حفظ جان خود باید هرچه او می‌خواهد، بگویم. این به تشخیص خود فرد است و در اسلام، تشخیص موضوع برعهده مکلف قرار داده شده است؛ اما در مسائل اجتماعی مهم، نمی‌توان تشخیص فردی را تسری داد؛ چون موجب هرج‌ومرج است.

در باب تقیه هم در مسائل مهم حتماً نظر ولی‌فقیه حاکم است. اساساً یکی از ضرورت‌های ولایت‌فقیه همین است. بله! ما هیچ‌گاه از تقیه به‌معنای واقعی بی‌باز نیستیم. ما ادعا نمی‌کنیم که جامعه اسلامی در هیچ زمانی از تقیه کردن و رعایت مسائل اهم و مهم غافل باشد. به‌همین جهت می‌گوییم که دائماً انعطاف‌پذیر هستیم؛ اما دچار انفعال نمی‌شویم. رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم با صراحت موضع انقلاب را بیان کرده‌اند.

ادامه در صفحه بعد



نماینده شورای فرهنگی اجتماعی زنان در ستاد راهبری جمعیت حوزه

اولین راهکار برای مقابله با بحران جمعیت فرهنگ‌سازی است

افزود: این آیین‌نامه‌ها با تعاملات بین ستاد راهبری جمعیت حوزه و ستاد ملی جمعیت به‌زودی اجرایی خواهند شد.

مدیر اداره پاسخ به سؤالات جامعه‌الزهر^{علیها} بیان کرد: حوزه‌های علمیه همراه با دولت انقلابی و مردمی، با استفاده از ظرفیت‌های علمی و تبلیغی خود، به تحقق سیاست‌های افزایش جمعیت در‌کشور یاری خواهند رساند. وی در پایان تصریح کرد: متأسفانه در دهه اول

^[1] فرهنگ و اندیشه اسلامی